خارج اصول4

چهارشنبه 27/ 6/ 98

\*اقسام واجب\*

کلام در واجب معلّق بود. اشکالات وارد بر این نظریّه و جواب آنها گفته شد. بنابراین عدّه ای از محقّقین، واجب معلّق را قبول دارند.

التحقیق فی المقام

علّت قائل شدنِ صاحب فصول به واجب معلّق، مقدّمات مفوّته است. لذا بحث از مقدّمات مفوّته در اصول، در این بحث ذکر شده است.

مقدّمات مفوّته: مقدّماتی که اگر قبل از زمان وجوب واجب اتیان نشود، اتیان واجب بعد از وجوب، مقدور نیست و فوت می شود. مانند همین مثال حجّ که تهیه ی لباس احرام، گذرنامه و بقیه ی لوازم، حرکت با کاروان و غیره، باید قبل از ایام حج باشد تا در آن ایام بتوان حج را انجام داد.

صاحب فصول برای وجوب اتیان این مقدّمات مفوّته قائل به واجب معلّق شده است؛ به اینصورت که وجوب ، فعلی است و واجب، استقبالی. یعنی حج در زمان استطاعت، اتیانش استقبالی است ولی وجوبش فعلی است لذا، مقدّمات نیز بسبب وجوب ذی المقدّمه، واجب می شوند. در زمان استطاعت اگر مقدّمات واجب نشوند مکلّف می تواند آنها را اتیان نکند و در نتیجه حج از او فوت می شود. البته وجوب عقلی دارند ولی بحث در وجوب شرعی است.

قول مختار

برای انتخاب نظریه در این زمینه باید چند سؤال پاسخ داده شود:

1.آیا اقسام واجب سه تاست(مطلق و مشروط و معلّق) یا دوتا(مطلق و مشروط)؟

2.آیا در عالم ثبوت(عالم واقع) ممکن است وجوب، فعلی باشد و واجب، استقبالی؟(امکان ذاتی)

3.آیا در مقام اثبات موردی هست که وجوب، فعلی باشد و واجب، استقبالی؟(امکان وقوعی)

4.آیا علاج مقدّمات مفوّته منحصر در قول به واجب معلّق است یا نه؟

جواب سؤال اوّل

تقسیم واجب به مطلق و مشروط، تقسیمی است باعتبار حال متعلَّق؛ یعنی وجوب تقسیم می شود به مطلق و مشروط. زیرا حکم شارع دو صورت دارد: مقیّد و غیرمقیّد. لذا حکم شارع از نظر قید و شرط، دائر بین وجود و عدم است. و بین وجود و عدم فرد ثالثی وجود ندارد و الّا مستلزم ارتفاع نقیضین است که محال است.

در نتیجه واجب معلّق، یا واجب مطلق است یا مشروط. و اگر با قید ملاحظه شود، در واقع، واجبِ مشروطِ به شرط متأخر است.

جواب سؤال دوّم

در عالم ثبوت، «وجوب فعلی و واجب استقبالی» قابل تصوّر است؛ حدّاقل مراتب وجود این مورد، جایی است که شرط وجوب قبل از شرط واجب محقّق شود؛ لذا وجوب، فعلی و واجب، استقبالی است. مانند تحقق استطاعت قبل از رسیدن ایام حج؛ و حدّاکثر آن، شرط متأخّر است. سال گذشته این بحث را خواندیم که در شرط متأخر انخرام قاعده ی عقلی مطرح است یعنی معلول قبل از علّت موجود می شود.(زیرا جایگاه موضوع برای حکم، جایگاه علّت است برای معلول). در حالیکه عقلاّ باید علّت قبل از معلول باشد. و در جواب گفتیم که علّت واقعی «ارتباط شرط و مشروط در عالم جعل و تصور» می باشد؛ چه در عالم خارج شرط مقدّم باشد یا مقارن یا مؤخّر.

جواب سؤال سوّم

بله! هم در عرف موجود است و هم در شرع.

در عرف مانند اینکه طبیب به مریض می گوید: فلان دارو را باید استعمال کنی و برای حفظ جانت بر تو واجب است؛ حال تا مریض دارو را تهیه کند و استعمال کند، ممکن است چند ساعت یا چند روز طول بکشد.

در شرع نیز مانند آیه ی حج:

1.\*لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبيلاً\*[[1]](#footnote-1)

یعنی کسی که مستطیع شد، حج بر او واجب است. لذا باید مقدّمات حج را فراهم کند. «لله علی»، نصّ در وجوب است.

2.\*فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْه\*[[2]](#footnote-2)

کسی که هلال ماه رمضان را دید، روزه بر او واجب می شود.یعنی شب واجب می شود لذا همان شب می تواند برای تمام ماه نیت کند.

جواب سؤال آخر سیأتی.

(پایان)

1. .ال عمران/ 97 [↑](#footnote-ref-1)
2. .بقره/ 185 [↑](#footnote-ref-2)